



پایان یکصد و دو سالگی انتشار روزنامه های خیرالکلام و نسیم شمال

پاسداشت صد و دو سالگی روزنامه های خیرالکلام و نسیم شمال

۲۰ شهریور ۱۳۹۶

پژوهشکده گیلان شناسی دانشگاه گیلان و مؤسسه فرهنگی و هنری معیار سخن

پژوهش و نگارش

مؤسسه فرهنگی و هنری معیار سخن

۱. پاسداشت های رویدادمحور، گامی در بازآفرینی هویت فرهنگی

تاریخ ایران، بعد از انقلاب مشروطه، دگرگون شده است. گرچه انقلاب مشروطه در مناسبات ظاهری سیاست به بار ننشست، اما با تعریف جدیدی که از روابط و مناسبات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و علمی به دست داد - از جمله: تدوین قانون اساسی، تشکیل هیئت دولت و مجلس شورای ملی، تشکیل نهادهای قانونی و مدنی، خیزش مردمی و مبارزات جنبش های آزادی خواهانه، ورود و گسترش صنعت و فناوری روز، ایجاد ساختارهای اقتصادی نو، افزایش شمار باسوادان، تحول بنیادین در ادبیات فارسی، و ... - زندگی تازه ای برای مردم ایران رقم زد. به گواه تاریخ، در این دوره، گیلان از جمله مراکز مهم، تأثیرگذار، و پیشرو در پیدایش و پیروزی انقلاب مشروطه، و پس از ناکامی سیاسی انقلاب، در بازتعریف و تحقق آرمان های انقلاب در زمینه های فرهنگی و اجتماعی است.

یکی از جلوه گاه های تحقق آرمان های انقلاب مشروطه روزنامه ها است که مبارزان سیاسی، مصلحان اجتماعی، فرهنگ دوستان، و ادیبان از اهداف و اندیشه های اصلاحی خود در آن ها نوشته اند. در این زمینه نیز، گیلان هم موطن روزنامه نگاران بنامی چون افصح المتکلمین، سیداشرف الدین حسینی، حسین کسمایی، ... و هم محل نشر روزنامه های مهم و تأثیرگذاری چون *خیرالکلام*، *نسیم شمال*، و *جنگل*، ... بوده است. اکنون که صد و اندی سال از انقلاب مشروطه می گذرد، بازخوانی و پژوهش در آرای انقلابی ها و موافقان و مخالفان آن امری ضروری، و به سبب تأخیر در مراجعه به مستندات، بلکه حیاتی است.

از آغاز تاریخ روزنامه نگاری در گیلان در ۱۲۸۶ خ تا سال های دهه نخست ۱۳۰۰ خ، بیش از هشتاد روزنامه در گیلان انتشار یافت. برخی از روزنامه ها، فقط یک شماره انتشار یافت؛ انتشار برخی تا چند شماره ادامه یافت؛ و تعدادی هم انتشار تقریباً منظم و پرتعداد داشتند. طی جست و جوی های شخصی پژوهشگران اندک شماری در گذشته، نسخه اصلی و یا تصویر برخی از روزنامه ها به دست آمد. از روزنامه های نایافته، طبق گزارش پژوهندگانی چون رابینو و براون و گیلک و فخرای و صدر هاشمی و فریدون نوزاد و رضا نوزاد، تعدادی دست نیافتنی است و تعدادی را شاید بتوان با جست و جوی دوباره بازیافت. با توجه به گذشت چند دهه از آن گزارش ها و تشکیل یافتن سازمان های اسناد و کتابخانه های عمومی و تخصصی و رشد دانش اطلاع رسانی و مستندسازی در دو دهه اخیر در کشور، ضروری است تلاش دوباره ای برای بازیافتن روزنامه های بازیافتی از سر گرفته شود. در صورت جمع آوری نسخه اصلی یا تصویر آن ها و بازخوانی نسخه های موجود، می توان امید داشت با پژوهش هایی نو، زوایایی از تاریخ معاصر ایران روشن شود.

برپای «پاسداشت‌های رویدادمحور» در قالب «صدسالگی‌ها»، علاوه بر اینکه درازای تاریخی و فرهنگی سرزمینمان را روشن می‌کند، راهی برای طرح پرسش، آسیب‌شناسی، و ارائه راهکارهای اجرایی و فرهنگی است که مؤسسه فرهنگی و هنری معیار سخن در آن گام نهاده است و، در هر پاسداشت، طرح‌های پژوهشی متناسب با موضوع را مطرح می‌کند. در این نشست، از ضرورت «راه‌اندازی مرکز پژوهشی روزنامه‌های گیلان و اسناد وابسته، دانشنامه‌ی روزنامه‌های گیلان، فهرست مقالات (نوشته‌های) روزنامه‌های گیلان، بازتولید روزنامه‌های گیلان، فرهنگنامه‌ی روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران گیلان»، و سایر کتاب‌های موضوعی سخن گفته خواهد شد. همچنین، سخنرانان درباره‌ی جایگاه «روزنامه‌های خیرالکلام و نسیم شمال در مطبوعات ایران»، «میراث مطبوعاتی گیلان و زمینه‌های پژوهشی آن»، «تجربه‌ی روزنامه‌نگاری مدرن»، «اهمیت اسنادی روزنامه‌های قدیم و نقش آن‌ها در پژوهش‌های امروز» بحث خواهند کرد. همت و همراهی بی‌دریغ و همراه با موازین علمی پژوهشکده گیلان‌شناسی دانشگاه گیلان زمینه‌ساز برپایی «پاسداشت صدوده‌سالگی روزنامه‌های خیرالکلام و نسیم شمال» است.

۲. آغاز روزنامه‌نگاری در گیلان

با بازخوانی و تحلیل نوشته‌ها و شنیده‌ها و اسناد به‌جامانده، شاخص‌های فرهنگی گیلان معاصر، به‌ویژه رشت، را در صد و اندی سال پیش، می‌توان در سه مؤلفه اصلی بازجست: فعالیت انجمن‌های فرهنگی؛ آموزش نوین در مدارس؛ و انتشار مطبوعات.

در فاصله سال‌های ۱۲۶۶ تا ۱۳۱۰خ، بیش از بیست انجمن فرهنگی و هنری در گیلان کار کردند که وجهه همت آن‌ها روشنگری، آشنایی با هنر روز، و مبارزه با بی‌سوادی بود. این انجمن‌ها با راه‌اندازی کتابخانه و قرائتخانه عمومی، انتشار روزنامه، اجرای نمایش، اجرای موسیقی، کلاس سوادآموزی، آموزش‌های زبان‌های عربی و فرانسوی، و تشکیل گروه‌های فعالیت زنان ذائقه فرهنگی شهرنشینان گیلان را شکل دادند.

یک دهه بعد از آغاز کار انجمن‌های فرهنگی، نخستین مدرسه گیلان در رشت آغاز به کار کرد. گفتنی است که نظام آموزشی به‌کارگرفته‌شده در مدارس نظامی بود که نگاهش به انسان و جهان پیرامونی آن، به‌کل با نظام آموزش سنتی و ناکارآمد متفاوت بود و بنیادگذاران مدرسه‌های ملی اغلب خود اهل دانایی و آشنا به نظام آموزشی فرامرزی، به‌ویژه، اروپایی بود.

چندی پس از آغاز به کار انجمن‌های فرهنگی و مدارس، روزنامه‌های گیلان نیز منتشر شدند. این روزنامه‌ها طیف متنوعی از مطالب را منتشر می‌کردند که در آن‌ها از نوشته‌های اخلاقی و ادبی و مذاکرات انجمن ملی تا اخبار سیاسی و نشر افکار حزب‌ها و دسته‌های سیاسی و تلگراف‌ها و مکاتبات مجاهدان گیلان و انجمن‌های ایالتی و خیرهای بلدیة آمده است.

نخستین روزنامه فارسی ایران را، که گاه با نام *کاغذ/خبار* و گاه «اولین روزنامه ایران» از آن یاد شده است، میرزا صالح شیرازی در ۱۲۵۳ق/۱۲۱۶خ انتشار داد که دوره انتشار محدودی داشت و به‌صورت ماهانه، با چاپ سنگی به چاپ می‌رسید. سیزده سال بعد، در ۱۲۶۷ق/۱۲۲۹خ *روزنامه وقایع/تفاهیه* در تهران منتشر شد و سپس شهرهای دیگر مانند اصفهان و تبریز نیز صاحب روزنامه شدند که اغلب دولتی بودند.

هفت دهه بعد از آغاز انتشار روزنامه در ایران، و یک‌سال پس از صدور فرمان مشروطه، گیلان نیز دارای روزنامه خصوصی شد و افصح‌المتکلمین نخستین روزنامه گیلان را در ۱۲ مرداد ۱۲۸۶ در رشت منتشر کرد. پس از آن، در همان سال، نه روزنامه دیگر در رشت و انزلی و لاهیجان پا گرفت و، بدین ترتیب، روزنامه‌نگاری گیلان راهی را آغاز کرد که مسیری پرفرازونشیب و نتیجه‌ای پربار داشت.

۳. سال‌نگار رویدادهای مطبوعاتی در ایران از آغاز تا سرآغاز روزنامه‌نگاری در گیلان (۱۳۲۵ق/۱۲۸۶خ)

۱۲۵۲ق

• انتشار *طلیعه کاغذ اخبار*

۱۲۵۳ق

• انتشار *کاغذ اخبار*

۱۲۶۵ق

• انتشار *زاهر یرادی باهرا (اشعه روشنایی)*

۱۲۶۷ق

• انتشار *روزنامه وقایع اتفاقیه*

۱۲۷۵ق

• انتشار *روزنامه ملتی*

۱۲۷۷ق

• انتشار روزنامه دولت علیه ایران

۱۲۸۰ق

• انتشار روزنامه علمیه دولت علیه ایران

۱۲۸۳ق

• انتشار روزنامه دولتی، روزنامه علمیه دولت علیه ایران، روزنامه ملت سنیه ایران (روزنامه ملتی)، روزنامه حکیم‌الممالک

۱۲۸۴ق

• انتشار روزنامه اردوی همایون

۱۲۸۵ق

• توقیف بیست‌ویکمین شماره روزنامه ملتی

۱۲۸۷ق

• انتشار روزنامه وقایع عدلیه

• صدور فرمان سانسور مطبوعات

۱۲۸۸ق

• انتشار روزنامه ایران و مرآت‌السفر (روزنامه مرآت‌السفر و مشکوٰۃ‌الحضر)

• واگذاری «اداره روزنامجات دولتی» به محمدحسن‌خان صنیع‌الدوله

۱۲۸۹ق

• انتشار دوره دوم روزنامه ملتی محروسه آذربایجان (روزنامه وقایع... شهر تبریز)

• انتشار روزنامه المنطبعة فی الفارس

۱۲۹۰ق

• انتشار سالنامه ایران

۱۲۹۳ق

• انتشار نشریه‌های لاپاتری «وطن»، روزنامه نظامی علمیه و ادبیه، روزنامه علمی

• توقیف نخستین شماره لاپاتری (وطن)

۱۲۹۶ق

• انتشار نشریه‌های مریخ، فرهنگ، و تبریز

• تدوین کتابچه قانون جزای ۱۲۹۶ق نوشته کنت دومونت فُرت ایتالیایی رئیس‌نظمیه تهران و تصویب آن از سوی ناصرالدین‌شاه

۱۲۹۷ق

• انتشار جریده تجارت

۱۲۹۸ق

• انتشار روزنامه اطلاع

۱۲۹۹ق

• انتشار نشریه دانش

۱۳۰۰ق

• انتشار روزنامه‌های اردوی همایون و شرف

• تبدیل اداره انطباعات به وزارت انطباعات و ابقای محمدحسن‌خان صنیع‌الدوله (اعتمادالسلطنه)

• توقیف نخستین شماره نشریه شرف به دستور شاه به دلیل تعریف از ولیعهد!

۱۳۲۰ق

انتشار الاسلام: نخستین نشریه اسلامی ایران

۱۳۲۱ق

انتصاب ندیم‌السلطان به سمت وزیر انطباعات

• تشکیل مجمع آزاد مردان در تهران

۱۳۲۲ق

• تشکیل کمیته سری در باغ میکده تهران

۱۳۲۳ق

• انتصاب مجدد محمدباقرخان اعتمادالسلطنه به سمت وزیر انطباعات

• تبعید میرزا علی آقا شیرازی «لیبب‌الملک» روزنامه‌نگار و مدیر نشریه مظفری

• توقیف روزنامه ادب به مدیریت میرزا صادق ادیب‌الممالک فراهانی

۱۳۲۴ق

• تأسیس انجمن گلستان

• دستگیری و تبعید مجدالاسلام کرمانی، حاج‌میرزا حسن رشیده و میرزا آقا اصفهانی نویسندگان مطبوعات

• صدور فرمان مشروطیت و تصویب قانون اساسی

۱۳۲۵ق

• اعتصاب روزنامه‌نگاران، کتابداران، و کارگران چاپخانه‌ها به دلیل توقیف جبل‌المتین

• انحلال وزارت انطباعات

• برگزاری جلسه مدیران مطبوعات در منزل وزیر علوم درباره «شیوه نظارت بر مطبوعات»

• به‌چوب‌بستن افصح‌المتکلمین مدیر روزنامه خیرالکلام

• تشکیل انجمن مدیران جراید

• تشکیل انجمن روزنامه مجلس

• تشکیل انجمن متحده اجزاء مطبوعات حروفی

• تصویب متمم قانون اساسی مشروطیت ایران

• تفویض اختیارات وزارت انطباعات به اداره در وزارت علوم و معارف به منظور رسیدگی به امور مطبوعات

• توقیف مساوات، جبل‌المتین، روح‌القدس، صور اسرافیل، و فریاد

• حمله به دفتر روزنامه‌ها در تهران

• درخواست وزیر عدلیه از رئیس انطباعات وزارت معارف «در مورد محدودیت مطبوعات»

• محاکمه محترمانه میرزا جهانگیرخان شیرازی مدیر روزنامه صور اسرافیل در «اداره جراید وزارت معارف»

• محاکمه سلطان‌العلماء خراسانی مدیر روزنامه روح‌القدس در محکمه جنایی تهران

• مذاکره پیرامون «نظامنامه فعالیت‌های مطبوعاتی» در مجلس شورای ملی

خلاصه‌شده از تاریخ روزنامه‌نگاری ایران (سیدفرید قاسمی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۲، ۱۳۷۹، صص ۶۱۱-۶۱۶)

۴. افصح‌المتکلمین

میرزا ابوالقاسم املشی، ملقب به افصح‌المتکلمین و معروف به ملاباشی و افصح (که دشمنانش گاه به تعریض به جهت عیبی که در پا داشت و می‌لنگید از او با لفظ «عرج» یاد می‌کردند)، پس از تحصیلات ادبی و دینی، لباس روحانیت بر تن کرد. نخست به مکتب‌داری و وعظ و خطابه اشتغال داشت، پس از صدور فرمان

مشروطیت به روزنامه‌نگاری روی آورد و نخستین روزنامه گیلان را به نام خیرالکلام در رشت (بعدها چند شماره در تهران) منتشر کرد.

در پی پیوستن به انجمن تندروی عباسی (ابوالفضلی)، که مطالبات معترضان به نخستین انتخابات قانونی انجمن ولایتی گیلان را پیگیری می‌کرد، حکمران وقت گیلان دستور دستگیری چند تن از اعضای آن را صادر کرد. از جمله افصح‌المتکلمین در روز ۲۶ رمضان ۱۳۲۵/ ۱۰ آبان ۱۲۸۶ دستگیر و به چوب و فلک بسته شد و ۴۵ روز را در زندان به سر برد. همچنین، به دنبال سرکوبی مشروطه به دست محمدعلی‌شاه، برای مدتی به زندان افتاد. با اعاده مشروطیت، به آنچه از اعمال سران مشروطه نادرست می‌دانست در خیرالکلام به‌تندی انتقاد کرد و، در همان روزها، در روزنامه راه خیال (در رشت) به مناظره قلمی با محمد زهری و سیداشرف‌الدین حسینی و میرزا حسین خان کسمایی پرداخت. جز این دو، ساحل نجات را در یکی از نوبت‌های توقیف خیرالکلام منتشر کرد.

در سال ۱۳۲۹ق/ ۱۲۸۹-۱۲۹۰خ، برائر انتقاد از مداخلات روس‌ها در ایران و گیلان، روس‌ها به دفتر کارش حمله کردند و پس از ضرب و شتم او در کنسولگری روس زندانی‌اش کردند. در کوتاه‌زمانی، فشار افکار عمومی و پافشاری مشروطه‌خواهان سبب شد از زندان آزاد شود. افصح‌المتکلمین در روزنامه‌های خود و دیگر

روزنامه‌ها و در مجالس از دولت مرکزی و قوای اشغالگر بیگانه انتقاد می‌کرد. به همین سبب، پس از استیلاي کامل روس‌ها بر گیلان در صفر ۱۳۳۰/ بهمن ۱۲۹۰، به خواست نکراسف (کنسول روس) به مدت پنج سال از گیلان تبعید شد.

افصح‌المتکلمین مشروطه‌خواهی باورمند، خطیبی توانا، و روزنامه‌نگاری جسور و پرکار بود.

خلاصه‌شده از رجال مشروطه گیلان (هومن یوسفدهی، رشت، فرهنگ ایلیا، ۱۳۹۲، صص ۳۵-۳۷)

۵. خیرالکلام

روزنامه‌نگاری در گیلان با انتشار خیرالکلام، به صاحب‌امتیازی شیخ ابوالقاسم افصح‌المتکلمین، در ۲۴ جمادی‌الثانی ۱۲۸۵/۱۲ مرداد ۱۲۸۶ در رشت آغاز شد و سال اول آن با شماره ۸۰ به پایان آمد. سال دوم، از ۱۸ رمضان ۱۳۲۷ در ۸۰ شماره و سال سوم از ۱۰ شوال ۱۳۲۸ در ۹۳ شماره منتشر شد. محمد صدرهاشمی در کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران، سال چهارم خیرالکلام را تا شماره ۶ (۲ جمادی‌الاول ۱۳۲۹) در رشت دارای استمرار می‌داند. شماره‌های ۱۳ (مورخ ۲۵ ذیحجه ۱۳۲۵) تا ۱۹ (مورخ ۲۳ صفر ۱۳۲۶) در تهران، به سبب عزیمت افصح‌المتکلمین به تهران برای دادخواهی از شکنجه در زندان امیراعظم حاکم رشت، به چاپ رسید.

خیرالکلام در ۴ صفحه در مطبعه ساحل نجات بندر انزلی و مطبعه‌های عروه‌الوثقی، سعادت، و شرافت رشت با چاپ سربی و دو شماره نیز با چاپ سنگی انتشار یافت. طرز انتشارش، در دو سال اول، روزهای دوشنبه و پنجشنبه هر هفته و، از سال سوم، همه‌روزه به‌غیر از ایام تعطیل بود.

در سرلوحه شماره اول خیرالکلام چنین نوشته شده بود: «شماره ۱، سال اول. صفحه ۱» و زیر خطی سراسری در سمت راست: «مؤسس کل: شرکت اتحادیه، مدیر و دبیر میرزا ابوالقاسم افصح‌المتکلمین. مرکز اداره: رشت، محله صیقلان. بعد از ارسال پنج نسخه وجه اشتراک مطالبه دریافت می‌شود». سمت چپ: «قیمت اشتراک سالانه رشت ۱۸ قران، سایر بلاد داخله ۲۰ قران، قفقاز و روسیه ۵ مناط، فرنگستان ۱۴ فرانک. قیمت یک نسخه در رشت صد دینار، سایر بلاد داخله سه شاهی». وسط: «حفظ بیضه اسلام. خیرالکلام. ۱۳۲۵. فعلاً هفته دو بار طبع و توزیع می‌شود». در زیر مشخصات ذکر شده آمده است: «این جریده آزاد ملی در کلیات مصالح ملک و ملت و حفظ بیضه اسلام سخن می‌گوید. مقالات عام‌المنفعه پذیرفته و درج می‌شود. در صورت نشدن حق استرداد نیست. یوم یکشنبه ۲۴ شهر جمادی‌الثانیه ۱۳۲۵».

خیرالکلام روزنامه‌ای مبارز و بی‌پروا بود که مردم را علیه استبداد فرامی‌خواند و در این راه با دشمنی اعیان و اشراف و مالکان متنفذ، روحانیانی مانند میرزامهدی شریعتمدار و حاجی ملامحمد خمایی و همین‌طور مأموران مداخله‌گر روس روبه‌رو شد.

خلاصه‌شده از تاریخ مطبوعات گیلان از آغاز تا ۱۳۲۷ (رضا نوزاد، رشت، فرهنگ ایلیا، ۱۳۹۱، صص ۵۵-۵۶)

۶. سیداشرف‌الدین حسینی

سیداشرف‌الدین حسینی قزوینی گیلانی، معروف به نسیم شمال، فرزند سیداحمد قزوینی، در سال ۱۲۸۸ق، در قزوین دیده به جهان گشود. مقدمات فارسی و عربی را در قزوین فراگرفت و سپس در ۱۳۰۰ق، جهت ادامه تحصیل در علوم دینی، به عتبات عالیات رفت و در نجف و کربلا به فراگیری فقه و اصول پرداخت و پس از پنج سال به ایران بازگشت. ابتدا به تبریز و سپس به رشت رفت و در این شهر اقامت گزید و از راه کتابت امرار معاش می‌کرد. با آغاز جنبش مشروطیت در زمره مشروطه‌خواهان قرار گرفت و در ۱۳۲۵ق، شروع به انتشار هفتگی نسیم شمال کرد و از همان زمان به سیداشرف‌الدین نسیم شمال اشتهار یافت. پس از به‌توپ‌بسته شدن مجلس شورای ملی در ۱۳۲۶ق، و شروع بازداشت و اذیت و آزار مشروطه‌خواهان، نسیم شمال با تغییر چهره و لباس متواری شد و یک‌یک روستاهای گیلان و قزوین را به‌صورت ناشناس زیر پا گذاشت. به جهت سابقه دوستی با میرزااکرم‌خان رشتی و معزالسلطان به عضویت کمیته سری ستار درآمد و در همه مراحل انقلاب رشت تا فتح تهران با مشروطه‌خواهان همراه بود. سیداشرف‌الدین پس از فتح تهران محل انتشار نسیم شمال را به تهران منتقل کرد و در تهران در یکی از حجره‌های محقر مدرسه صدر ساکن شد. او ظاهر زن و دختری داشته که با او به تهران نیامده بودند و به همین سبب کارهای مربوط به خورد و خوراک و نظافت و شست‌وشو را شخصاً انجام می‌داد. وی که از طریق فروش روزنامه امرار معاش می‌کرد، همیشه در تنگدستی به سر می‌برد. ولی پس از چندی توانست خانه محقری تهیه کند و همسر خود را به تهران بیاورد. در آغاز روی کار آمدن سلسله پهلوی، در حدود ۱۳۴۵ق (۱۳۰۵خ) به او نسبت جنون دادند و وی را به دارالمجانین بردند، ولی اندکی، بعد بر اثر مساعی سیدحسن مدرس، از تیمارستان نجات یافت. سید اشرف‌الدین حسینی عاقبت در ۲۹ اسفند ۱۳۱۲، در ۶۵ سالگی بدرد حیات گفت و پیکر او را بدون اطلاع دوستانش در این بابویه تهران به خاک سپردند و حتی مجلس ختمی هم برای او گرفته نشد. ولی سال‌ها بعد، عده‌ای از شاعران و نویسندگان گیلانی آرامگاه او را پیدا و سنگ مزار او را عوض کردند.

شعرهای نسیم شمال بالغ بر بیست‌هزار بیت می‌شد که قسمتی از آن در کتاب «باغ بهشت» در تهران چاپ شد و قسمت دیگر با نام «جلد دوم نسیم شمال» در بمبئی منتشر گردید. از او رمان کوچکی هم به نظم و نثر با عنوان «عزیز و غزال» در تهران به چاپ رسیده است. از جمله آثار او ترجمه‌هایی منظوم از قصص لافوتن و فلوریان با نام «گلزار ادبی» است.

خلاصه‌شده از رجال مشروطه گیلان (هومن یوسفدهی، رشت، فرهنگ ایلیا، ۱۳۹۲، صص ۲۴۵-۲۴۷)

۷. نسیم شمال

شماره اول روزنامه نسیم شمال در تاریخ ۲ شعبان ۱۳۲۵ / ۱۸ شهریور ۱۲۸۶ منتشر شد و تا شماره ۱۸ (۹ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶) فاقد کلیشه ثابت بود. نام روزنامه با حروف درشت میان گل‌های چاپخانه‌ای در وسط کادر قرار گرفته و زیر آن در کادر دیگری شعر: «خوش خبر باشی ای نسیم شمال / که به ما می‌رسد زمان وصال» به چاپ رسیده است. در طرفین، دو کادر کوچک قرار دارد. کادر راست: «مدیر و نگارنده: اشرف‌الحسینی. عنوان مراسلات: رشت، اداره نسیم شمال. ۹ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶. سال ۲ مشروطه». سمت چپ: «قیمت اشتراک سالیانه: داخله: ۱۲ قران. سایر ولایات ۱۸ قران. روسیه ۶ منات. اروپا ۱۴ فرانک. قیمت نسخه سه شاهی». سال‌های اول و دوم روزنامه از ۲ شعبان ۱۳۲۵ الی آخر شعبان ۱۳۲۸ در مجموع ۷۲ شماره نشر یافته است.

این روزنامه در رشت در مطبعه عروه‌الوثقی و در ۴ صفحه و در تهران بسته به وضع مالی اشرف‌الدین تا ۱۲ صفحه نیز به چاپ می‌رسید.

با رفتن اشرف‌الدین به تهران، این روزنامه از ۱۳۳۳ ق در تهران با همان سبک و سیاق با چاپ سربی و در مطبعه‌های مختلف تا اواخر سال چهاردهم به چاپ رسید و از سال پانزدهم با فروش امتیاز روزنامه، با صاحب امتیازی ح. حریرچیان و مدیرمسئولی سیدمحسن‌الحسینی حریرچیان ساعی در ۱۷ صفر ۱۳۵۳ (۱۰ خرداد ۱۳۱۳ تا قبل از حوادث شهریور ۱۳۲۰) ادامه پیدا کرد.

نسیم شمال از جراید وزین و بارز در دوران مشروطیت گیلان بود و با توجه به اینکه اشرف‌الدین اصرار داشت بیانیه‌ها و تلگراف‌ها را بی‌کم‌وکاست در روزنامه به چاپ برساند، تاریخ جامع و مستندی از مشروطیت و سیر تحول آن در این منطقه است. وی ساده‌نویسی و کاربرد سهل و ممتنع را در روزنامه‌نگاری پایه‌گذاری کرد و به ساختن و چاپ اشعار عامیانه پرداخت. موفقیت نسیم شمال را باید در وابستگی به طبقات محروم جامعه دانست، چون به‌راستی مال مردم بود و افکار و خواسته‌های و پیشنهادهای مردم را نشر می‌داد.

خلاصه‌شده از تاریخ مطبوعات گیلان از آغاز تا ۱۳۵۷ (رضا نوزاد، رشت، فرهنگ ایلیا، ۱۳۹۱، صص ۱۲۳-۱۲۴)